

پیامدهای خشک‌سالی بر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری (مطالعه موردی: ایل بویراحمد علیا)

سید امیر توفیق‌یان اصل^۱

چکیده

خشک‌سالی به عنوان یکی از نموده‌های نوسانات اقلیمی، یک فاجعه آب و هوایی است که به دلیل ایجاد هزینه‌هایی که برای پایداری معیشت کشاورزان و سیستم‌های کشاورزی به طور گسترده دارد به عنوان بی‌سروصداترین بلای طبیعی شناخته شده است. به طوری که فقدان برنامه‌ریزی راهبردی خشک‌سالی و تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها موجب افزایش هزینه‌ها برای کاهش خسارت خشک‌سالی می‌گردد. جامعه عشایری که تولید، درآمد و اشتغالشان به طبیعت وابسته است، معمولاً بیشتر در معرض خسارات خشک‌سالی قرار می‌گیرند. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی خشک‌سالی و چگونگی مدیریت آن در برابر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری ایل بویراحمد علیا هست. با توجه به پیامدهای خشک‌سالی در منطقه مورد مطالعه این مسائل به نوبه خود ساختار اجتماعی عشایر منطقه را به دلیل خشک‌سالی، رویکرد انسان بر طبیعت و عدم مدیریت صحیح به جای رویکرد زیست‌بوم محور با مدیریت عشایر روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بروز خشک‌سالی در مرحله نخست بر فعالیت‌های دامپروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام‌های مولد و نارس کرده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام‌ها، افزایش تلفات و سوءتغذیه دام‌ها و کاهش تولید شده است. همچنین، عشایر بویراحمد علیا پس از تحمل هزینه‌های زیاد نگهداری دام در مناطق گرمسیری هم‌زمان با کوچ به مناطق بیلاقی به دلیل نداشتن شرایط نگهداری و عدم وجود نقدینگی و سرمایه در گردش، به ناچار بخشی از دام‌های مولد و بره‌های کم وزن خود را زودتر از موعد روانه بازار فروش کرده‌اند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دولتی بر سرمایه‌های موجود به‌ویژه از لحاظ اجتماعی مانند عضویت دامداران در تشکل‌ها، نهادهای محلی و مشارکت دادن ذی‌نفعان در طراحی و اجرای یک نظام پایدار دامداری توجه کنند.

واژگان کلیدی: خشک‌سالی، مراتع، دامداری پایدار، رویکرد زیست‌بوم محور، ایل بویراحمد علیا.

بیان مسئله

خشک‌سالی از جمله مخاطرات طبیعی است که منجر به بی‌نظمی در سامانه اکولوژیکی یک منطقه می‌شود. همچنین این پدیده موجبات اختلال و یا نابودی شرایط فیزیکی و محیطی را فراهم می‌کند. این پدیده اقلیمی و تکرارپذیر در همه طبقات اقلیمی رخ داده و خصوصیات آن عمدتاً از یک منطقه به مناطق دیگر تغییر می‌یابد. در واقع، خشک‌سالی حاصل انحراف موقتی از توزیع نرمال اقلیمی یک ناحیه بوده و متفاوت از خشکی می‌باشد. به عبارت دیگر، خشکی محدود به مناطق کم بارانی خواهد شد که دارای یک شکل اقلیمی باشند (یزدانی و حق‌شنو، ۱۳۸۶). خشک‌سالی از منظر بوم‌شناسی و کشاورزی، به ناکافی بودن رطوبت برای رشد محصول اطلاق می‌شود. به طور کلی، این پدیده تأثیرات زیادی بر استانداردهای اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی دارد. اثرات مستقیم آن طیف وسیعی مثل کاهش محصول، کاهش سطوح آب، افزایش مخاطرات آتش‌سوزی، افزایش نرخ مرگ‌ومیر دام‌های اهلی و حیات وحش را در بردارد. اما، به طور غیرمستقیم کاهش عملکرد محصولات، درآمد کمتر کشاورز، افزایش قیمت مواد غذایی، بیکاری و مهاجرت را به دنبال دارد (NDMC، ۲۰۰۹).

عوامل متعددی در پیدایش خشک‌سالی مؤثرند که هنوز به طور کامل شناخته نشده‌اند، به گونه‌ای که تغییر و دخالت در آن‌ها به منظور جلوگیری از بروز و وقوع خشک‌سالی، از توان بشر خارج و عملاً غیرممکن است. اغلب عواملی چون وضعیت لکه‌های خورشیدی (کینگ^۱، ۱۹۷۲)، جریان‌های آب و هوایی النینو و لانینا^۲ و همچنین افزایش مقدار دی‌اکسید کربن در جو کره زمین را در پیدایش خشک‌سالی مؤثر می‌دانند. این پدیده ممکن است در کشورهای ثروتمند و فقیر، مرطوب و خشک، پیشرفته و در حال توسعه اتفاق افتد. با این تفاوت که در کشورهای توسعه‌یافته، خشک‌سالی از لحاظ اقتصادی زیان‌ها و خسارت‌هایی را به نظام تولید محصولات کشاورزی وارد می‌کند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته شرایط زندگی بخش زیادی از مردم را تهدید کرده و سلامت آن‌ها را با خطر مواجه می‌کند. با این وجود فرضیه‌هایی در مورد علل و عوامل مؤثر در خشک‌سالی‌ها، وقوع، تداوم و تشدید آن‌ها وجود دارد (کردوانی، ۱۳۸۵).

بنابراین، این بلای طبیعی همواره جوامع انسانی، گیاهی و به طور کلی بوم‌شناختی محیط را دگرگون کرده و اثرات تخریبی آن به کندی پدیدار می‌شود. وقوع مکرر خشک‌سالی و خسارت شدید آن بر اقتصاد و منابع طبیعی تفکر تشکیل یک راهبرد یا برنامه عملی برای مدیریت خشک‌سالی در کشور را موجب شده است (حیدری شریف باد و آ میزبانی^۱، ۲۰۰۶). فقدان برنامه‌ریزی راهبردی خشک‌سالی و تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها موجب افزایش هزینه‌ها برای کاهش خسارت خشک‌سالی شد. جامعه عشایری که تولید، درآمد و اشتغالشان به طبیعت وابسته است، معمولاً بیشتر در معرض خسارات خشک‌سالی قرار می‌گیرند، این پدیده فزون بر تلفات انسانی کم، نسبت به سایر بلاهای طبیعی، اثرهای مخرب زیست‌محیطی فراوانی را به دنبال دارد که بالطبع اقتصاد مناطق را دچار بحران می‌سازد. در مواردی که شدت خشک‌سالی‌ها زیاد باشد،

King - ۱

El NiNo and La Nina - ۲

جبران خسارت‌ها به راحتی و در مدت زمان کوتاه امکان‌پذیر نبوده و نیازمند فرصت‌ها، تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیادی است.

به طور مسلم، افزون فناوریانه در عصر حاضر امکان مقابله با این بلایا یا هرگونه بلایا طبیعی وجود ندارد، بلکه تنها راه ممکن، شناخت اصولی بلایا و برنامه‌ریزی در جهت نوعی همزیستی با آن‌هاست. به عبارتی برای مصونیت از آسیب‌های خشک‌سالی، الزاماً باید برنامه‌ریزی‌هایی در پرتو آن صورت گیرد. یکی از عمده گروه‌هایی که به دلیل ماهیت زندگیشان، آسیب زیادی از پدیده خشک‌سالی می‌بینند، جامعه عشایری است. عشایر، طی هزاران سال با شناخت کامل عوامل طبیعی وابسته به رشد گیاهی و روابط دو سویه محیط با اجزای زنده آن و با اتکا به فرآیند کوچ‌روی، از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده‌اند. با وقوع خشک‌سالی نظام تولیدی و زندگی اجتماعی و زیست‌محیطی عشایر را با چالش‌ها و مشکلات فراوان روبه‌رو می‌کند به طوری که، کاهش میانگین تعداد دام هر خانوار، کاهش شدید میانگین وزن دام، تخریب مراتع و کاهش مقدار کیفیت علوفه تولیدی مرتع، مهاجرت‌های فصلی و موقتی و از هم پاشیدگی نظام ایلی و کندی روند توسعه شده است. بنابراین، شناخت و آگاه نمودن جامعه عشایر نسبت به خشک‌سالی با آموزش و حمایت‌های سازمانی باعث مدیریت رفتار مقابله با خشک‌سالی در برابر نظام مراتع و دامداری خواهد شد. اقتصاد جوامع عشایر بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند و بز استوار است و پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتع، اعلان اراضی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش متکی است. لذا، برای تأمین علوفه مورد نیاز، حرکت و نقل‌مکان بین مراتع ییلاقی و قشلاقی (کوچ) ضرورت می‌یابد. از آنجا که بخش عمده هزینه‌های پرورش دام را هزینه‌های تغذیه تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری از مراتع موجب کاهش هزینه‌های پرورش و سبب افزایش بازده اقتصادی این شیوهی معیشتی می‌شود. نظام عشایری از بُعد اقتصادی با بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای، برای اقتصاد ملی یک فرصت تلقی می‌شود که موجب افزایش درآمد ملی، صرفه‌جویی ارزی و اشتغال بخشی از جمعیت کشور می‌شود.

با توجه به پیامدهای خشک‌سالی در استان و به طور خاص در منطقه ایل مورد مطالعه (بویراحمد علیا)، این مسائل به نوبه خود ساختار اجتماعی عشایر منطقه را به دلیل خشک‌سالی، رویکرد انسان بر طبیعت و عدم مدیریت صحیح به جای رویکرد زیست‌بوم محور با مدیریت عشایر روزبه‌روز ضعیفتر می‌شود. از سوی دیگر، نهادها و اندام‌های دولتی به تنهایی و بدون مشارکت این جامعه که به صورت مستقیم در ارتباط با شیوه‌های بهره‌برداری از طبیعت هستند، نمی‌توانند فعالیت یا برنامه‌ای منسجم در راستای مدیریت خشک‌سالی و عواقب ناشی از آن با استفاده از دانش بومی و اعمال مدیریت چرا داشته باشند. اهمیت موضوع بیانگر این مطلب هست که برای انجام تحقیقات در زمینه خشک‌سالی باید تأکید بیشتری شود تا نتایج به دست آمده آن‌ها بتواند به عنوان ابزاری در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشاورزی و دامداری در جهت ماندگاری ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه عشایری مورد استفاده قرار گیرد. پس، هدف از پژوهش حاضر واکاوی نگرش عشایر نسبت به خشک‌سالی و چگونگی مدیریت آن در برابر نظام مراتع و دامداری است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقریباً نیمی از مساحت کشور ایران را مراتع تشکیل می‌دهد. سطح قابل توجهی از اراضی کشور به دلیل کوهستانی بودن و واقع شدن در مناطق با بارندگی کم و با محدودیت منابع آبی، قابلیت کشت و کار آبی و دیم را ندارد و صرفاً باید به صورت مرتع یا جنگل مدیریت و بهره‌برداری شود. مراتع با تأمین بخشی از علوفه مورد نیاز دام‌ها و تأمین نیاز غذایی و پناهگاه احشام، کمک به حفظ آب و خاک با کاهش دادن فرسایش آبی و بادی، کاهش دادن تولید روان آب و سیلاب، قابلیت تفرجگاهی برای بشر با دارا بودن گونه‌های متنوع گیاهی در چشم‌اندازی از کوه، صخره، دشت و دامنه، رویشگاهی طبیعی از گیاهان دارویی شناخته‌شده و ناشناخته و مخزنی از انواع گونه‌های گیاهی به عنوان ذخیره‌گاه ژنی، منافع بسیار زیادی را به طور مستقیم و غیرمستقیم عاید جامعه می‌نماید. از جمله مهم‌ترین ارکان اقتصادی جامعه عشایری مرتع است. زندگی کوچ‌نشینی بدون مرتع امکان‌پذیر نیست زیرا؛ کوچ و کوچ‌نشینی زمانی مصداق می‌یابد که عشایر به منظور چرای دام‌ها در مراتع به حرکت در می‌آیند (ترکمان، ۱۳۶۴: ۸۳). مطالعات نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین دلایل پیدایش تشکلهای قبیله‌ای و عشایری در کشور ما، ضرورت تنظیم و تنسيق استفاده از مراتع و یا به سخن دیگر انتظام بخش به بهره‌برداری از مراتع بوده است (ازکبا، ۱۳۷۴: ۱۶) و از نظر اقتصادی نیز مراتع به لحاظ تأمین علوفه مورد نیاز دامداران، علاوه بر رونق فعالیت‌های دامداری و تأمین بخش مهمی از نیاز گوشت، لبنیات، پشم و سایر فرآورده‌های دامی و همچنین بخشی از گیاهان صنعتی و دارویی کشور، قابلیت مهمی در ایجاد فرصت‌های شغلی و کسب درآمد برای نیروی کار جوامع روستایی و عشایری دارد. بنابراین، در جوامع عشایری دام و مرتع نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند و مناسبات تولیدی و بهره‌کشی بر مبنای استفاده مشترک از مراتع است و تولید علوفه و زراعت در درجه بعدی قرار دارند و می‌توان گفت که بخش مهمی از عشایر با دام زنده‌اند و با کارگری و زراعت و صنایع دستی در مرحله آخر زندگانی می‌کنند. بدین ترتیب مبانی زندگی اقتصادی عشایر در درجه اول دامداری است و نظام دامداری شبانی مبتنی بر تکثیر دام است نه پرورش دام و نه برای مصرف بلکه به عنوان تولید و ارائه به بازار مصرف در جهت تأمین زندگی خود و خانواده آن‌ها انجام می‌گیرد.

مرتع به اراضی دایر یا بایر اطلاق می‌شود که رستنی‌ها در آن به حالت طبیعی رشد کرده، میزان بارندگی آن منطقه نسبتاً کم باشد و به وسیله حیوانات اهلی و وحشی مورد چرای واقع گردد و هیچ عاملی آن را محدود ننماید. (کریمی، ۱۳۶۹). اگر چه در یک مفهوم عمومی مرتع به معنای علوفه و گیاه تلقی می‌شود اما در حقیقت مرتع به یک محیط مناسب طبیعی اطلاق می‌شود که دارای علوفه تازه و آب کافی و قابل شرب و بوم‌شناسی مناسبی برای پرورش دام‌ها محسوب شود در واقع حیات کوچ‌نشینان وابسته به پرورش دام و تولیدات دامی و دام و دامداری نیز به مرتع و بوم‌شناسی مرتع وابسته است (مستوفی الم مالکی، ۱۳۷۷: ۳۸)؛ بنابراین، در کشور ما هر زمین یا سرزمینی که دارای حتی مختصر پوشش گیاهی است که دام می‌تواند برای مدتی در آن بچرد، مرتع یا چراگاه نامیده می‌شود (کردوانی، ۱۳۷۱: ۷۱). پس مرتع در صورتی قابل بهره‌برداری اقتصادی است که حداقل ظرفیت آن برابر با ۱/۴ واحد دامی در هکتار در فصل چرا (۱۰۰ روز) باشد (بخشنده نصرت، ۱۳۸۴: ۹۸).

گروه‌های عشایری ایران به میزان ۶۰ درصد از قلمرو سرزمینی و ۸۰ درصد از حوضه‌های آبریز کشور را با جمعیتی حدود ۱/۶ میلیون نفر در قالب ۲۱۲۶۶۰ خانوار، تحت پوشش بیلاق و قشلاق خود قرار داده‌اند. این عرصه استقرار و تعامل به عنوان یک استعداد محیطی و ظرفیتی غالب جغرافیایی با بهره‌برداری بهینه از منابع مرتعی می‌تواند ارزش افزوده ملی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. به علاوه این عرصه گوبای این است که عشایر ضمن اینکه میراثداران ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران‌زمین هستند، دارای دام‌های سازگار با ذخایر طبیعی و ژن‌شناختی‌ای بوده و نیز برخوردار از مهارت‌های متناسب و متنوع در تولیدات دامی برای حضوری مؤثر در چرخه اقتصادی می‌باشند (رنو، ۱۳۸۴: ۶۹).

نتایج تحقیق قنبری (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که خشک‌سالی باعث مهاجرت زود هنگام عشایر از قشلاق به بیلاق، کاهش سطح کشتزارهای دیم، کاهش درآمد، کاهش رشد و پوشش مراتع و کمبود شدید علوفه شده است. نساجی زوال (۱۳۸۰) آثار خشک‌سالی را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی کرده است. در این تحقیق، کاهش تولیدات زراعی و حاصلخیزی جنگل‌ها و مراتع، افزایش خطر آتش‌سوزی، کاهش سطح آب، افزایش نرخ و مرگ‌ومیر دام و حیات وحش، به مخاطره افتادن زیستگاه ماهیان و حیات وحش مثال‌هایی از آثار مستقیم خشک‌سالی و کاهش درآمد کشاورزان و شاغلان بخش کشاورزی و افزایش قیمت غذا، بیکاری و مهاجرت نمونه‌هایی از آثار غیرمستقیم ذکر شده است. همچنین، سلطانی و کرباسی (۱۳۸۲) در تحقیق خود بیان نموده‌اند که خسارات ناشی از خشک‌سالی در منطقه سیستان و بلوچستان منجر به افزایش نرخ بیکاری به دو برابر متوسط کشوری در سال‌های خشک‌سالی در این استان شده است.

بهریمانی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی خود نشان دادند که از سال ۱۳۷۷ متأسفانه بخش‌های وسیعی از ایران، از جمله استان سیستان و بلوچستان با خشک‌سالی روبه‌رو شده‌اند. با توجه به استمرار پدیده خشک‌سالی در سال‌های بعد که هنوز ادامه دارد، نه تنها بخش قابل توجهی از مراتع به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین علوفه دامی از بین رفته است، بلکه دام که اساس اقتصاد زندگی عشایر را تشکیل می‌دهد، نیز خسارت جبران‌ناپذیری دیده و به تبع آن فرآورده‌های آن نیز کاهش یافته و یا از بین رفته است. افراخته (۱۳۸۴) با مطالعه خشک‌سالی و تحول معیشت نیمه‌کوچ‌نشینان تفتان نشان داد که گروهی که دارای اراضی زراعی «سنگان» هستند، فعالیت زراعی و تولیدات خود را تغییر داده و تعدادی دام را به صورت دامداری حفظ کرده‌اند. زیرا دولت به روش‌های مختلف از کشاورزان در برابر خشک‌سالی حمایت کرده است. گروه کوچک دیگری معیشت خود را از نیمه‌کوچ‌نشینی به رمه‌گردانی تغییر داده و در ناحیه کوهستانی تفتان «شونده» ساکن شده‌اند. این دو گروه می‌توانند زندگی قبلی خود را با استفاده از بارش‌های اخیر و میان‌دوره خشک‌سالی مبتنی بر بهره‌برداری از مراتع طبیعی از سر بگیرند.

در تحقیق ولایتی (۱۳۸۵) مهاجرت روستاییان به شهر، بالا رفتن هزینه حفاری و پمپاژ آب زیرزمینی، شور شدن تدریجی آب خانه‌ها و کاهش حجم فضاهای خالی و در نتیجه نشست زمین را به عنوان اثرات خشک‌سالی بر شمرده است. در مطالعه دیگری، کرمی و همکاران (۱۳۸۵) نگرش کشاورزان در زمینه خشک‌سالی را در دو حیطة نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشک‌سالی و نگرش کشاورزان نسبت به قابلیت کنترل پیامدهای خشک‌سالی مورد سنجش قرار

داده‌اند. با توجه به این مطالعه، آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است، بررسی و شناخت گروه‌های مختلف در مورد خسارت‌ها و اثرات خشک‌سالی است که تأثیر مهمی در گزینش راهکارهای مقابله و کنترل خشک‌سالی دارد.

قناعت و مامن پوش (۱۳۸۸) در پژوهش با عنوان تأثیر مدیریت آبیاری مشارکت‌مدارانه بر نگرش کشاورزان نسبت به خشک‌سالی و کمبود آب به این نتیجه دست یافتند که پیدایش مشکلات ناشی از خشک‌سالی و کمبود آب در شبکه باعث کاهش رضایتمندی کشاورزان از مدیریت بهره‌برداری از شبکه‌ها شده است که مهم‌ترین علت این موضوع را می‌توان در عدم مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه دانست. پدیده خشک‌سالی و آثار زیست‌محیطی، اقتصاد و اجتماعی آن توسط کری و همکاران (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که تأثیرات اقتصادی خشک‌سالی نسبت به سایر تأثیرات اجتماعی - روان‌شناختی و زیست‌محیطی و در نهایت اثرات اجتماعی - روان‌شناختی قرار دارد.

با توجه به اینکه، تأثیر خشک‌سالی بر فرآیند زندگی عشایری توسط سالم (۱۳۸۷) مورد بررسی قرار گرفته است وی این اثرات را در دو دسته اثرات اقتصادی (کاهش میانگین تعداد دام هر خانوار، کاهش شدید تعداد دام‌های سنگین و سبک، کاهش شدید میانگین وزن دام‌ها، کاهش تولیدات صنایع دستی، کاهش تولید و میانگین درآمد هر خانوار) و اثرات اجتماعی (کاهش جمعیت طایفه، وقوع مهاجرت به‌ویژه مهاجرت‌های فصلی و موقت، تخریب مراتع و کاهش مقدار و کیفیت علوفه تولیدی) بر می‌شمارد. زمانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش بررسی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس با خشک‌سالی به این نتیجه دست یافته‌اند که به هنگام وقوع خشک‌سالی، از دید کشاورزان منابعی که دچار تهدید یا آسیب می‌شوند به ترتیب عبارت‌اند از: منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا. همچنین کشاورزان مناطق با شدت خشک‌سالی خیلی زیاد بیش از سایرین احساس می‌کنند که در اثر خشک‌سالی منابع آن‌ها در خطر بوده و یا این منابع را از دست داده‌اند و کشاورزان مناطق با شدت خشک‌سالی متوسط کمتر از سایرین این احساس را داشتند. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که اکثریت کشاورزان مورد مطالعه، خشک‌سالی را خطری در از دست دادن منابع خویش (نگرش تهدیدزا) تلقی می‌کردند.

یزدان‌پناه (۱۳۹۱) در بررسی خود با عنوان تعیین‌کننده‌های هنجار و نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی در استان بوشهر به این نتیجه دست یافت که کارشناسان نگرش و دانش مطلوبی نسبت به مدیریت خشک‌سالی ندارند. از طرف دیگر، تحلیل رگرسیون نشان داد درک امکان‌پذیری مدیریت خشک‌سالی مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده هنجار اخلاقی نسبت به مدیریت خشک‌سالی بوده و متغیرهای دانش، درک امکان‌پذیری و نگرش نسبت به پیامدهای خشک‌سالی می‌تواند در حدود ۶۷ درصد از تغییرات نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی را پیش‌بینی نماید. علیپور و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی خود نشان دادند که اثرات خشک‌سالی بر وضعیت اقتصادی کشاورزان، در پنج عامل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش تولید گندم، کاهش توان اقتصادی کشاورز، کاهش توان تولیدی آبی کشاورز و خروج از بخش کشاورزی و اثرات اجتماعی خشک‌سالی بر وضعیت کشاورزان در پنج عامل افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش سطح بهداشت و تغذیه، اثرات روحی روانی خشک‌سالی، بروز اختلافات اجتماعی و ایجاد فقر در جامعه دسته‌بندی شدند.

Hong و همکاران (۲۰۰۰) خشک‌سالی در منطقه هوی را بحرانی توصیف نموده به نحوی که میزان آب مورد استفاده در بخش کشاورزی از ۶۴ درصد به ۳۱ درصد در سال‌های ۲۰۰۱ - ۱۹۹۳ رسید و این خشک‌سالی باعث کاهش سطح زیر کشت آبی محصول برنج و همچنین تولی و عملکرد آن شده است. Keck و Dinar (۲۰۰۰) آثار خشک‌سالی در جوامع روستایی کشورهای جنوب آفریقا را بر هفت بخش شامل محصولات زراعی، دام، آب، اشتغال، قیمت‌های مواد غذایی، چراگاه و سوخت طبقه‌بندی نمودند. ایشان اثر خشک‌سالی بر بخش آب روستایی را به صورت آلوده شدن و کاهش آب توصیف کرد و عواقب این امر را بیماری‌های انسانی و مرگ‌ومیر احشام، افت و اتلاف محصولات و مهاجرت دانستند.

در مطالعه‌ای دیگر توسط کانتی (Kanti, ۱۹۹۸) با عنوان مکانیسم‌های مقابله با خشک‌سالی، در منطقه بنگال واقع در شمال بنگلادش، وضعیت افرادی که از این پدیده زیان دیده‌اند، بررسی گردیده که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد خشک‌سالی پدیده قابل‌برگشت و دوره‌ای در بنگلادش بوده که فزون بر تأثیرگذاری بر رشد گیاهان، باعث کاهش تولید محصولات زراعی، کمبود غذا برای بسیاری از مردم و در نهایت قحطی و گرسنگی می‌شود. به جهت مقابله و کاهش اثرات خشک‌سالی بنگلادش، تعدیل‌هایی از طرف دولت و منابع غیردولتی صورت گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) تعدیل‌های کشاورزی در سطح خانوار و ب) تعدیل‌های غیرکشاورزی در سطح خانوارها.

روش پژوهش

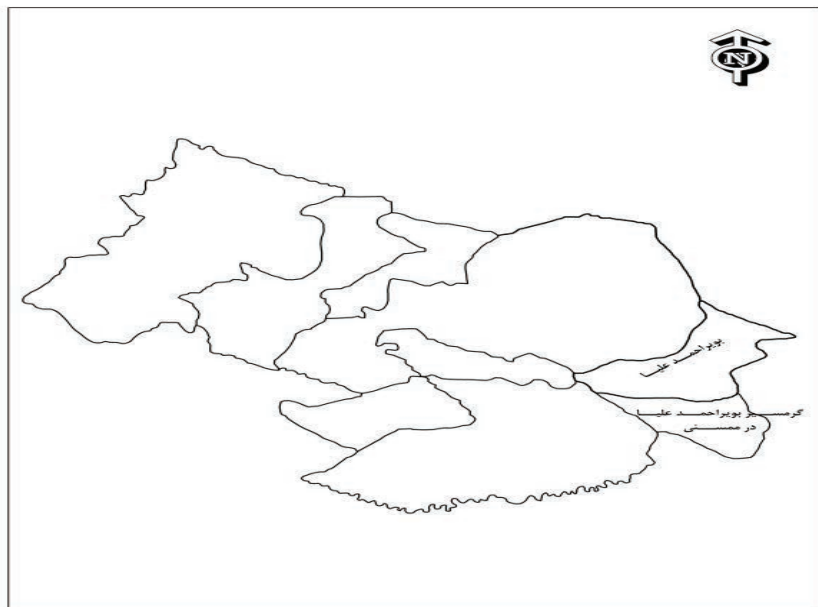
پژوهش انجام‌یافته از نوع تحقیقات موردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی و از نظر گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم‌یافته‌ها، از نوع پیمایشی و از سویی دیگر چون هدف آن توسعه دانش کاربردی در زمینه خشک‌سالی است، یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت مصاحبه و مشاهده بوده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مکانی این تحقیق عشایر ایل بویراحمد علیا از توابع شهرستان بویراحمد از استان کهگیلویه و بویراحمد است. بویراحمد علیا منطقه‌ای است به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع سرزمین اصلی و حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت گرمسیری در منطقه ممسنی با ۲۶۲۲ خانوار و جمعیتی ۱ برابر با ۱۱۸۲۸ نفر در بیلاق و ۵۰۰۷ نفر در قشلاق زندگی می‌کنند و این جمعیت از طوایف (آقایی نرمایی - آقایی بابکانی - امامزاده محمود - اولاد نبی - اولاد علی مؤمن - جلیل حسنی - جلیل حسینی - حاتم - حاجتی - سادات امامزاده علی - سادات سید محمد - سادات شاه مختار - سادات شاهزاده قاسم - سادات میر - صیدالی - عمله - قائد گیوی دشتروم - قائد گیوی سپیدار - کاولیخان - گنجه‌ای - محمدصادقی) و تیره‌های (تالیشاهی - کرکر - علی دادی - جاوید - حاج مهمدی - محمدعلی - دهراب - علی سینا - تاج امیری - امیر گپی - منگویی - رضا توفیقی - اسماعیلی - عباسی - علایی - احمدی - سید محمد و سید یحیی - تیرابگون) تشکیل گردیده است.

مرزهای غربی را دامنه‌های شرقی کوه سیوک و کوه چال کلاغ و کوه‌های زر آورد و ساورد تشکیل می‌دهد که مرز بین بویراحمد علیا و منطقه باوی است ولی در شمال همسایه بویراحمد علیا، بویراحمد سفلی و در جنوب با ایلات ممسنی و در مشرق در کنار قشقای‌ها بسر می‌برند. نقشه (۱) محدوده ایل مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

نقشه (۱): محدوده ایل بویراحمد علیا



یافته‌ها

◆ تأثیر خشک‌سالی بر مراتع

یکی از مشکلات اصلی دامداری در کشور تعداد بیش از حد دام نسبت به ظرفیت چرای مراتع می‌باشد که در طی چند سال گذشته، زیاد بودن تعداد دام باعث شده است مسئله کم‌آبی خود را بیشتر نشان دهد. بنابراین دولت می‌بایستی از طریق خرید دام مازاد با قیمت مناسب از عشایر تعداد دام مازاد را کاهش داد و به نوعی با این بحران مقابله نماید. وسعت مراتع استان ۴۸۰۴۴۹ هکتار می‌باشد که از این میزان حدود ۳۸۴۴۵۰ هکتار (۸۰ درصد) قلمرو زیست عشایر به حساب می‌آید. وسعت مراتع بیلاقی استان ۱۵۳۷۴۳ هکتار و وسعت مراتع قشلاقی ۳۱۷۰۹۶ هکتار می‌باشد. به علاوه مراتع میان بند متعلق به عشایر ۷۶۸۸ هکتار می‌باشد. حدود ۴۵ درصد مراتع عشایر دارای وضعیت خوب، ۵۰ درصد متوسط و ۵ درصد وضعیت ضعیف دارند. ۳۰۲۵۸۲ هکتار از این مراتع ممیزی شده و ۲۷۶۸۵۷ هکتار ممیزی نشده و در ۱۱۴۹۷۸ هکتار طرح‌های مرتع‌داری در حال اجرا می‌باشد. میزان متوسط علوفه قابل برداشت از مراتع بیلاقی ۳۱۵ کیلوگرم در هکتار و مراتع قشلاقی ۱۲۰ کیلوگرم در هکتار می‌باشد (۶۰ درصد ضریب برداشت).

کل دام متعلق به عشایر در بیلاق و قشلاق به ترتیب ۷۹۴۴۰۸ و ۷۳۵۱۸۸ واحد دامی است. بر این اساس ۱۱۶۵۴۵۱ واحد دامی مازاد بر ظرفیت مراتع در استان موجود است که باید با اجرای عملیات اصلاح و احیا مراتع، افزایش تولید علوفه و تأمین میزان کمبود علوفه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و ایجاد اشتغال برای مرتع‌داران بدون اتکا به مرتع و ایجاد واحدهای اقتصادی و تلفیقی از چرای بی‌رویه مراتع جلوگیری کرد. بررسی توزیع دام در مراتع ییلاقی و قشلاقی نشان می‌دهد که علی‌رغم وسعت دو برابری مراتع قشلاقی نسبت به مراتع ییلاقی، تعداد دام مراتع ییلاقی تقریباً با مراتع قشلاقی برابر می‌باشد که این عامل تخریب شدید مراتع ییلاقی را بیش از پیش تشدید می‌کند. جدول (۱) متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله در محل استقرار قشلاق و بیلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف را نشان می‌دهد.

جدول (۱): متوسط تعداد انواع دام در محل استقرار و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف ایل بویراحمد علیا

متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله در محل استقرار قشلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف			
متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله	رأس روز استفاده از مرتع (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از تعلیف (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف به صورت توأم (هزار رأس روز)
۱۸۸۲۰۵	۶۴۴۳	۸۷۰۴	۲۵۸۰۴
متوسط تعداد گوسفند و بره و بز و بزغاله در محل استقرار ییلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف			
متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله	رأس روز استفاده از مرتع (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از تعلیف (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف به صورت توأم (هزار رأس روز)
۱۸۸۱۴۶	۲۲۳۳۹	۱۷۵۶	۳۷۱۴

در منطقه عشایری ایل بویراحمد علیا به دلیل کمبود آب تولید انبوه علوفه مصنوعی قابل توجه نیست و در واقع کشاورزی بیشتر به صورت یک فعالیت جنبی و کمکی در جامعه عشایری به منظور تأمین بخشی از نیازهای زندگی مطرح بوده است و این شکل از کشاورزی به صورت خود معیشتی بود در حد مصرف خانوار و محصولاتی از قبیل خیار سبز، باقلا، گوجه‌فرنگی، ذرت، نخود، گندم و ... کشت می‌کنند. اما پس از خشک‌سالی‌های اخیر به‌ویژه از دهه ۱۳۸۰ به بعد

تمایل عشایر منطقه به شیوه نیمه کوچ نشینی و اسکان بیشتر شده است و محصولات فصلی کمتری کشت می‌کنند. کاهش بارندگی و خشک‌سالی در سال‌های اخیر در نخستین گام تولید علوفه مرتعی و محصولات دامی و فشار بر مراتع را ضربه اولیه ناشی از پدیده خشک‌سالی کاهش علوفه قابل دسترس برای دام است که منجر به کاهش عملکرد دام می‌شود به طوری که عشایر این منطقه بر اثر خشک‌شدن مراتع با استفاده سرشاخه درختان (کیکم، بَنک یا پسته وحشی، جاشیر حیوانی و گیاهان خوراکی مثل بیلهر) به عنوان تنها منبع تغلیف دام‌ها روی آورده‌اند. نظر به گستردگی مراتع و تحت تأثیر قرار گرفتن دام و مردمی که حیاتشان به مراتع وابسته است بروز خشک‌سالی در مرحله نخست بر فعالیت‌های دامپروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام‌های مولد و نارس نموده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام‌ها، افزایش تلفات و سوءتغذیه دام‌ها و کاهش تولید شده است. در سالیان اخیر به دلیل وقوع خشک‌سالی، اکثر چشمه‌ها و منابع تأمین آب عشایر خشک‌شده و بخش قابل توجهی از جامعه عشایر به شدت در معرض تهدید و عدم تأمین آب قرار گرفته‌اند و توان تأمین آب را هم ندارند. از طرفی مراتع عشایر در مناطق بیلاقی و قشلاقی نیز به دلیل خشک‌سالی فاقد علوفه مورد نیاز دام عشایر می‌باشد. به طوری که در حال حاضر بیشتر عشایر با تغذیه دستی دام خود را نگهداری نموده و متحمل هزینه زیادی شده‌اند و بیش از این توان خرید علوفه را ندارند. یکی از موارد دیگر، زمان ورود زودتر از موعد دام به منطقه می‌باشد که گذشته از آنکه باعث نابودی گیاهان مرتعی می‌شود، بلکه به علت بالا بودن رطوبت نسبی خاک در اثر تردد دام باعث سفتی و غیرقابل نفوذ شدن خاک می‌گردد که این یکی از عوامل تخریب مراتع می‌شود. همچنین، مسئله خشک‌سالی و کمبود آب در مراتع گرمسیری گذشته از آنکه خود به طور مستقیم باعث عدم رشد کافی گیاه و نابودی مراتع شده است به طور غیرمستقیم باعث جدا انداختن کوچ عشایر و تخریب مضاعف مراتع سردسیری شده است.

◆ تأثیر خشک‌سالی بر دامداری

یکی از مشکلات همیشگی دامداران کوچ رو تأمین آب مورد نیاز دام‌های خود بوده است که عمده‌ترین راه‌های تأمین آب دام عشایر از محل رودخانه‌های فصلی یا دائمی، چشمه‌ها، قنات و برکه‌ها می‌باشد. کمبود آب و پایین بودن کیفیت آن از لحاظ پایین بودن فاکتورهای آب، یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش وزن دام و مستعد کردن دام برای ابتلا به بیماری‌های انگلی می‌باشد. دامداری در استان کهگیلویه و بویراحمد اساس معیشت را تشکیل می‌دهد در منطقه عشایری ایل بویراحمد علیا غلبه بر دام سبک گوسفند و بره (۸۴۴۴۰) رأس و بز و بزغاله (۷۸۹۴۷) رأس است (جدول ۲). اساس اقتصادی و معیشت مردم این منطقه به دام وابسته است بر اساس مطالعات میدانی، خشک‌الی باعث تلف شدن و کاهش ۷/۲۳ درصد بز و بزغاله و ۱۱/۲ درصد گوسفند و بره و ۱/۲ درصد گاو و گوساله شده است به طور میانگین حدود ۸ درصد دام سبک در خانوار تلف شده است.

جدول (۲): تعداد انواع دام ایل بویراحمد علیا (رأس - نفر)

گوسفند و بره	بز و بزغاله	گاو و گوساله	گاو میش و بچه گاو میش	شتر و بچه شتر	اسب و کره اسب	قاطر و استر	الاغ و کره الاغ
۸۴۴۴۰	۷۸۹۴۷	۱۶۲۵	۳۶	۶	۲۴	۱۷	۲۴۹۷

◀ مأخذ: سرشماری عشایر کوچنده کشور، ۱۳۸۷.

جدول (۳): عوامل موثر تلف‌شدن دام از نظر عشایر

عوامل موثر از بین رفتن دام	کمبود آب	کمبود علوفه	بیماری	گیاهان سمی	حشرات هجوم و حمله	نبودن دارو
درصد	۱۰،۱	۱۸،۲	۲۹،۴	۱۳،۷	۱۰،۳	۱۸،۳

زندگی عشایر به علت ماهیت کوچ‌نشینی و متحرک بودن آن کمتر می‌تواند آثار و خسارات ناشی از خشک‌سالی را به مسئولین ذی‌ربط منتقل نماید و همین مسئله باعث گردیده است که در بحران خشک‌سالی مشکلات آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین وابستگی این جامعه به منابع گیاهی و آبی مراتع و دور بودن محل زندگی آن‌ها از مراکز باعث گردیده است که کمک‌های احتمالی دولت در حد ناچیز و آن هم به دست آن‌ها برسد که این مسئله به وخامت موضوع می‌افزاید. خشک‌سالی به عنوان یکی از وقایع محیطی باعث می‌شود که پوشش گیاهی مراتع از بین برود و میزان علوفه در دسترس برای دام‌ها کاهش پیدا کند و منجر به خسارت‌های سنگین به دامداران شود. خشک‌سالی تمام تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و عملیات دام را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین بخش دام به دلیل وابستگی مراتع و علوفه و تغییر بارش یکی از بخش‌هایی است که در معرض بیش‌ترین آسیب‌پذیری ناشی از خشک‌سالی قرار دارد و نوسانات جوی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تولید و بهره‌وری دام تأثیر می‌گذارد. با توجه به نتایج بر گرفته از مطالعات میدانی (جدول ۳) و مصاحبه با خانوارهای عشایری ایل مربوطه، بیماری‌های مختلف مهم‌ترین عاملی هست که موجب تلفات دام‌ها گردیده است هر چند عواملی دیگری همچون کمبود علوفه، نبودن دارو، گیاهان سمی و آب در این وضعیت دخیل می‌باشند. طی کردن مسافت‌های زیاد دام در هر روز برای رسیدن به آب‌شخور باعث کاهش شدید وزن دام‌ها می‌شود از

این رو یکی از عوامل مهم در بهبود وضعیت دامداری در این مراتع تعیین فواصل نسبی آبشخور و تأمین آب کافی برای دام می‌باشد. بروز خشک‌سالی در مرحله نخست بر فعالیت‌های دامپروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام‌های مولد و نارس نموده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام‌ها، افزایش تلفات و سوءتغذیه دام‌ها و کاهش تولید شده است.

جدول (۴): میزان کاهش تعداد و وزن دام‌ها بر اثر خشک‌سالی از نظر عشایر

گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
کاهش تعداد دام‌ها	۶,۸	۸,۶	۱۶,۹	۲۴,۰	۴۲,۳
کاهش وزن دام‌ها	۴,۲	۱۱,۳	۱۲,۷	۴۳,۷	۲۶,۸

با توجه به نتایج (جدول ۴)، کاهش وزن‌ها دام‌ها به طور زیاد و خیلی زیاد کاملاً مشهود می‌باشد. با بررسی صورت گرفته از خانوارهای عشایری که بیشتر متکی بر مصاحبه باز بوده، این نتایج حاصل شد که وزن دام بر اثر نبود علوفه و طی کردن مسافت طولانی به علت نبود علوفه در چراگاه‌های نزدیک کاهش زیادی داشته است. بنابراین، قبل از توسعه ارتباطات و احداث راه‌های داخلی و بین‌المللی وقوع خشک‌سالی‌ها لطمات و خسارات بسیار شدیدی به همراه داشته است. اما، جامعه عشایری به دلیل وجود ساماندهی اجتماعی، قدرت و فرصت تحرک در فضاهای جغرافیایی امکان دستیابی بیشتر به منابع طبیعی تغذیه (میوه‌های جنگلی، برگ گیاهان خوراکی و ...) وجود تعاون و همیاری ریشه‌داری در بین گروه‌های ایلی داشت و احشام پرتراکت و بهره‌دهی چون بز و شتر در مقایسه با جوامع شهری و روستایی خسارات کمتری را تحمل می‌کرده است و چه بسیار از یکجانشینان شهری و روستایی که نجات خود را مدیون خانوارهای دامدار عشایر بوده‌اند با گسترش و توسعه راه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل آسان، آذوقه از کشوری به کشور دیگر و از شهری به شهر دیگر، امکان ذخیره‌سازی مواد غذایی در شهرها، توسعه تکنولوژی و حفر چاه‌های عمیق و انتقال آب از راه‌های دور در سال‌های اخیر وضع جوامع یکجانشین را نسبت به جامعه عشایری در مواقع خشک‌سالی بهبود زیادی بخشیده است. طی سال‌های گذشته، عشایر و دام آنان به علت ماهیت زندگی کوچ‌نشینی و وابسته بودن به منابع آبی فراوان مراتع کمتر و شاید اصلاً در معرض مشکلات ناشی از کم‌آبی یا بی‌آبی نبوده‌اند و این مشکل دامن‌گیر مناطق شهری و یکجانشینی بوده و شاید همین مسئله باعث شده است که عشایر جایگاهی در این بحران نداشته باشند ولی در سال‌های گذشته خشک‌سالی شدیداً اقتصاد، زندگی عشایر و دام محدود مورد مطالعه را تهدید کرده است. به طور کلی، عشایر نه تنها بهبود وضع در مقابل خشک‌سالی را نیافته‌اند، بلکه به دلایل بسیاری امکانات و فرصت‌های مقابله با خشک‌سالی را نیز از دست داده‌اند.

◆ پیامدهای خشک‌سالی بر جامعه عشایری بویراحمد علیا

۱. کاهش منابع آب شرب عشایر و دام‌های آنان.
 ۲. کاهش تأمین علوفه.
 ۳. فروش اجباری بخشی از دام مولد و بره‌های کم وزن.
 ۴. افزایش تنش‌های اجتماعی و ایلی بر سر موضوعات آب و مرتع.
 ۵. عرضه انبوه دام به بازار و افت قیمت دام.
 ۶. ایجاد مشکلات معیشتی عشایر و تغییر شیوه زندگی.
 ۷. کاهش تولید گوشت قرمز.
 ۸. شیوع بیماری‌های دامی و انسانی به دلیل فقر تغذیه و کمبود آب.
 ۹. کوچ زود هنگام عشایر و افزایش نارضایتی در میان جامعه عشایری.
- همچنین، عشایر بویراحمد پس از تحمل هزینه‌های زیاد نگهداری دام در مناطق گرمسیری همزمان با کوچ به مناطق بیلاقی به دلیل نداشتن شرایط نگهداری و عدم وجود نقدینگی و سرمایه در گردش، به ناچار بخشی از دام‌های مولد و بره‌های کم وزن خود را زودتر از موعد روانه بازار فروش نموده‌اند. همزمان با عرضه انبوه دام عشایر به بازار، موجب کاهش قیمت دام زنده شده و بنابراین در صورت عدم اتخاذ راهکار مناسب دسترنج یک ساله عشایر با نازل‌ترین قیمت و گاهاً به نسیه از بین خواهد رفت و این امر گرفتار شدن آنان به دست دلان و واسطه‌های سودجو را به دنبال خواهد داشت. شیوع بیماری‌های دامی و انسانی به دلیل فقر تغذیه و کمبود آب و بهداشت، کوچ زود هنگام عشایر و افزایش نارضایتی در میان جامعه عشایری، مهاجرت به حاشیه شهرها و یا سایر نقاط و روی آوردن به مشاغل کاذب و بعضاً خلاف از روی ناچاری به دلیل نداشتن تخصص، مهارت و منبع درآمد دیگر، کاهش درآمد سرانه منطقه، بیکاری، فقر و در نتیجه مهاجرت کشاورزان و دامداران منطقه از دیگر پیامدهای خشک‌سالی می‌باشد که در صورت ادامه این روند پایداری دامی - زراعی، اقتصادی و اجتماعی این منطقه در بلندمدت تهدید می‌شود. از منظر آسیب‌پذیری، دامداران منطقه از خشک‌سالی‌های اخیر آسیب زیادی دیده‌اند. همچنین دامداران بیشتر آسیب‌دیده دارای کارایی سازگاری کمتری نسبت به سایر دامداران هستند. با توجه به این روند، پیش‌بینی می‌شود که با توجه به وضعیت بحرانی کم‌آبی و خشک‌سالی در کشور، نظام دامداری منطقه در آینده رو به ناسازگاری شدیدتری می‌رود. بنابراین، راهکارهای ۱۴ گانه سازگاری دامداران با خشک‌سالی را می‌توان به دو دسته راهکارهای فنی و مالی تقسیم کرد. راهکارهای فنی متشکل از چهار راهکار چرای چرخشی، تغییر نوع دام، تولید علوفه و دریافت سبوس یارانه‌ای. راهکارهای مالی نیز به دو دسته راهکارهای مالی دامداری و غیردامداری تقسیم شدند. راهکارهای مالی دامداری شامل فروش دام، بیمه دام، خرید علوفه، اجاره گاه و کلبه، خرید کنسانتره و اجاره مرتع و راهکارهای مالی غیر دامداری نیز متشکل از راهکارهای عضویت در تعاونی، اشتغال در مشاغل کشاورزی، اشتغال در مشاغل غیر کشاورزی و مهاجرت موقت است.

نتیجه‌گیری

جامعه عشایری ایران، به طور اعم و عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد به طور خاص، از فعال‌ترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین اقشار در رویارویی با تحولات فن‌آوری، اجتماعی، اقتصادی به‌ویژه شرایط محیطی است. وقوع خشک‌سالی‌های اخیر در کشور، این استان محروم را بیش از پیش مظلوم‌تر کرده است، زیرا؛ تا حدود زیادی معیشت و اساس اقتصادی استان متکی به گروه کشاورزی و وابسته به طبیعت می‌باشد و یکی از مشاغل مرتبط در این استان که به محیط وابستگی تام دارد، دامداری می‌باشد به طوری که این شیوه معیشت در سرتاسر استان مشهود می‌باشد. از سوی دیگر، این استان از پتانسیل و توانمندی‌های زیادی در راستای محیط اکولوژیکی دارد اما به دلیل عدم مدیریت ریسک و همین‌طور مدیریت بحران این سرمایه‌خدادادی به هدر می‌رود و این امر تا حدود زیادی انگیزه جامعه عشایر را نسبت به دامداری کاهش می‌دهد. اما، با توجه به عوامل متعدد و عدم بازدهی مناسب دامداری سنتی، معیشت عشایر مبتنی بر دامداری با مشکل مواجه می‌شود. وقوع خشک‌سالی در دهه اخیر در منطقه و محدوده ایل بویراحمد علیا اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نامطلوبی بر جای گذاشته است. کاهش میانگین دام در خانوار، کاهش تعداد دام‌ها نسبت به دوره پیش از خشک‌سالی، کاهش وزن دام‌ها (بر اثر نبود علوفه و طی‌کردن مسافت طولانی)، شیوع بیماری‌های دامی، کاهش تولید و درآمد خانوارها، مهاجرت‌های روزانه و گرایش به مشاغل کاذب، کاهش فعالیت عشایری و تخریب مراتع و خشک‌شدن چاه‌ها و چشمه‌ها از مهم‌ترین تأثیرات خشک‌سالی بر زندگی عشایر در منطقه مورد مطالعه است. همچنین، تلفات دام در این منطقه وابستگی زیادی به انواع بیماری‌های مختلف، کمبود مراتع دارد هر چند که وجود گیاهان سمی و هجوم حملات و حشرات و عدم دارو سهم بسزایی در این امر دارند.

به طور کلی، تدوین نظام پایدار دامداری که بتواند تولیدکنندگان را با نوسان‌های اقلیمی سازگارتر کند؛ تدوین این نظام با توجه به پیچیدگی‌های موجود تنها از طریق تولید مشارکتی دانش با همکاری سازمان‌های دولتی و دامداران امکان‌پذیر خواهد بود که در همین راستا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دولتی بر سرمایه‌های موجود به‌ویژه از لحاظ اجتماعی مانند عضویت دامداران در نهادهای محلی و مشارکت دادن ذی‌نفعان در طراحی و اجرای یک نظام پایدار دامداری توجه کنند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود به منظور دستیابی به نظام پایدار دامداری، جنبه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی اثرگذار بر فعالیت‌های دامداری مورد بررسی دقیق قرار گیرند و طراحی و باز طراحی راهکارهای اثربخش سازگاری در برنامه کار نهادهای متولی مدیریت دام کشور قرار گیرد که از ضروریات رسیدن به یک نظام دامداری پایدار است.

منابع

- ◀ ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستای ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ◀ افراخته، حسن (۱۳۸۴)، خشک‌سالی و تحول معیشت نیمه کوچ‌نشینان تفتان، علوم جغرافیایی، ۴ (۵): ۱۰۷-۱۲۶.
- ◀ بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۴)، مبانی کوچ و کوچندگی در ایران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- ◀ زمانی، غلام‌حسین، زرافشانی، کیومرث و مرادی، خدیجه (۱۳۸۸)، بررسی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس هنگام خشک‌سالی، مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی، اجتماعی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، کرمانشاه، کرمانشاه، ایران: ۱-۱۰.
- ◀ سالم، جلال (۱۳۸۷)، تأثیر خشک‌سالی بر فرایند زندگی عشایر طایفه طاهری در حوزه شهرستان طبس، روستا و توسعه، ۱۱ (۴): ۸۹-۱۲۴.
- ◀ قناعت، محسن و مأمینپوش، علیرضا (۱۳۸۸) تأثیر مدیریت آبیاری مشارکت مدارانه بر نگرش کشاورزان نسبت به خشک‌سالی و کمبود آب، دومین همایش ملی اثرات خشک‌سالی و راهکارهای مدیریت آن، اصفهان.
- ◀ قنبری، یوسف (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی و اجتماعی خشک‌سالی بر عشایر ایل قشقایی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی بررسی راهکارهای مقابل با بحران آب، دانشگاه زابل. مجلد اول. صص ۲۹۳-۲۷۳.
- ◀ کردوانی، پرویز (۱۳۸۵)، خشک‌سالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ کرمی، علی، کشاورز، محمد و کامگارحقیقی، علی‌اکبر و لاری، محمداقبر. (۱۳۸۵)، نگرش‌ها، رفتارها و مدیریت خشک‌سالی توسط کشاورزان، شیراز: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس.
- ◀ مستوفی الممالکی، رضا (۱۳۷۷)، جغرافیای کوچ‌نشینی «عمومی و ایران با تاکید به ایل قشقایی»، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- ◀ نساجی زواره، مجتبی (۱۳۸۰)، بررسی اثرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی خشک‌سالی، اولین کنفرانس ملی برای راه‌کارهای مقابله با خشک‌سالی، ۹ تا ۱۰ اسفند، ۱۳۷۹، دانشگاه باهنر کرمان، کرمان.
- ◀ یزدان‌پناه، مسعود (۱۳۹۱)، تعیین‌کننده‌های هنجار و نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی در استان بوشهر، فناوریهای نوین کشاورزی، ۵ (۲): ۱۳۷-۱۵۱.
- ◀ یزدانی سعید و حق شنو، موژان (۱۳۸۶)، مدیریت خشک‌سالی و ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با آن. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.

► Heidari Sharifabad, H. and. Ameziane, T. E. (2006). Guidelines for establishing the national strategy and action plan on drought management for the agricultural sector Contribution of the Project Coordination Unit. Ministry of Jihad -e -Agriculture, Tehran: 126 ,Iran

► Kanti, P. (1998). Coping mechanisms practiced by drought victims (1994 5-) in Bangladesh. Applied Geography, 18(4): 355 373-.

► National Drought Mitigation Center (NDMC). (2009). University of Nebraska - Lincoln. Available at: drought.unl.edu/. Tellis. w.(1997). Application of a case study methodology. the qualitative report. 3(3). Available at: <http://www.nova.edu/ssss/qr/qr3 3-tellis2.htm>.

